

نامه مردم

ضمیمه

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۱۱، دوره هشتم
سال هجدهم، ۵ تیرماه ۱۳۸۰

حرکت مثبت و موثر خانواده های زندانیان سیاسی

هفته گذشته خانواده های زندانیان سیاسی در یک اقدام مشترک با تجمع در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران خواستار روشن شدن وضعیت وابستگی و بستگان زندانی خود شدند. در این تجمع اعتراضی، خانواده زندانیان سیاسی با استناد به موادی از اعلامیه جهانی حقوق بشر، اظهار داشتند که حقوق زندانیان سیاسی در این موارد نقض گردیده است. در این بیانیه همچنین آمده است که، همسران و فرزندان آنها را در ابتدا بدون هیچگونه مدرکی بازداشت کرده اند و سپس در صدد جمع آوری مدرک برای اثبات جرم آنها برآمده اند و هنوز پس از گذشت ماه ها، توضیح قانع کننده ای برای دستگیری آنها ارائه نشده است. هفته گذشته همچنین همسر بسته نگار اعلام کرد قرار است تکلیف همسرش به زودی مشخص شود و این در حالی است که از تاریخ ۲۳ اردیبهشت تا کنون هیچ اطلاعی

رژیم پلیسی «ولایت فقیه»

برای اصلاحات قرار گرفت و خشم و وسع توده ها برانگیخت. دستگیری سعید اسلامی و چند تن از کادرهای وزارت اطلاعات، و رو شدن بخش های کوچکی از عملکرد جنایتکارانه و تکان دهنده دستگاه های امنیتی زیر نظر «ولی فقیه»، ارتجاع را بر آن داشت تا ضمن حفظ ارگان های کنونی و تلاش برای از زیر ضربه خارج کردن آنها در عین حال به ایجاد ساختار های جدید امنیتی دست بزند که حتی از چشم نیروهای «خودی»، اما مدافع اصلاحات پنهان بمانند. هدف از ایجاد چنین ارگان هایی روشن است. ارتجاع حساب می کند که با تعمیق جنبش مردمی و مخدوش شدن مرزهای «خودی» و «غیر خودی» و تبدیل شماری از نیروهای «خودی» به «غیر خودی» زمانی خواهد رسید که حاکمیت استبدادی برای حفظ خود باید کارزار وسیعی از سرکوب را آغاز کند. روزنامه «نوروز»، سه شنبه ۵ تیرماه، از قول محسن آرمن، نایب رئیس دوم مجلس، در این زمینه می نویسد: «محسن آرمن نایب رئیس دوم مجلس از نمایندگان اصلاح طلبی است که اخیراً در مورد شکل گیری دستگاه های امنیتی به موازات وزارت اطلاعات هشدار داد و گفت که این امر می تواند برای امنیت ملی و وحدت حاکمیت خطرناک باشد.» بر اساس این گزارش «همین نگرانی های نمایندگان اصلاح طلب مجلس را بر آن کرده است تا با اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات نهادهای موازی با وزارت اطلاعات را از میان بردارند.»

وجود گروه های مختلف نظامی و شبه نظامی، وابسته به حاکمیت، که در نهایت وظیفه بی جز حفظ پایه های حاکمیت سیاسی رژیم را ندارند، از نشانه های بارز یک حکومت دیکتاتوری و پلیسی است. مردم ما در طول بیش از بیست و دو سال حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» شاهد رشد نجومی گروه های نظامی و شبه نظامی وابسته به رژیم بوده اند. وزارت اطلاعات، بیج، سپاه پاسداران، کمیته های انقلاب، «تارالله»، «حزب الله» و «انصار حزب الله»، از جمله گروه ها و سازمان های سرکوبگری هستند که در طول بیش از دو دهه گذشته به وجود آمده اند و از مهمترین وظایفشان، مهار خشم توده ها و سرکوب هرگونه صدای اعتراضی بر ضد رژیم استبدادی حاکم است. کارنامه سپاه این ارگان ها را از جمله می توان در سال ها جنایت تکان دهنده، پیگرد، دستگیری، شکنجه و آزار هزاران دگراندیش و مبارزان راه آزادی، قتل عام هزاران زندانی سیاسی و ترورهای دگراندیشان در داخل و خارج از کشور، خلاصه کرد. در پی پیروزی دوم خرداد ۱۳۷۶ و رشد چشمگیر جنبش مردمی بر ضد ارتجاع حاکم، و خصوصاً در پی سازماندهی و اجرای قتل های زنجیره ای، از سوی ارگان های امنیتی - اطلاعاتی رژیم که اکیداً زیر نظر مستقیم «ولی فقیه» و انصارش اداره می شوند، ماهیت و نقش سازمان های جهنمی اطلاعاتی رژیم بیش از پیش در معرض توجه مردم و جنبش

ادامه در صفحه ۲

حتی تلفنی از او نداشته اند. مهرانگیز کار نیز هفته گذشته به جرم شرکت در کنفرانس برلین و به اتهام بی حجابی به دادگاه فراخوانده شد. با اینکه قرار بود اکبر گنجی چند هفته پیش آزاد شود اما با اعلام اتهامات جدید بر ضد او، قاضی مرتضوی اعلام کرد که دادگاه گنجی تا یکماه دیگر برگزار می شود. بنا به اعلام مبشری، رئیس دادگاه های انقلاب تهران محاکمه ملی - مذهبی نیز تا یکماه آینده برگزار می گردد. خانواده آقای یوسفی اشکوری با ابراز نگرانی از وضعیت او اعلام کردند دادگاه تفتیش عقاید ویژه روحانیون به درخواست آنها مبنی بر معاینه وی توسط یک تیم پزشکی با توجه به بیماری اشی جواب منفی داده است. با دستگیری تعدادی از نزدیکان آیت الله منتظری، در چند روز گذشته عزم جدی مرتجعان در برابر جنبش مردمی را بیش از پیش آشکار می سازد. در تمامی تغییر و تحولات چند ماه گذشته و با توجه به افزایش روند دستگیری ها، محاکمات و بازداشت ها، موضوع زندانیان سیاسی از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. در تجمعات مردمی و دانشجویی که برگزار گردیده خواست آزادی زندانیان سیاسی همیشه در قالب شعار و پلاکارد به صورت وسیع و گسترده مشهود و نمایان بوده است. بررغم تلاش های داخلی و بین المللی در این زمینه متأسفانه جنبش مردمی هنوز نتوانسته گام موثری برای غلبه بر این معضل مهم بردارد. سلسله اقداماتی که در هفته گذشته و قبل از آن توسط خانواده های زندانیان سیاسی انجام گرفت اگر همچنان تداوم یابد و مورد پشتیبانی گسترده قرار بگیرد راه را برای آزادی زندانیان سیاسی هموار خواهد کرد. با توجه به شرکت وسیع توده ها در انتخابات اخیر ریاست جمهوری و رای به تداوم اصلاحات زمینه های مساعد چنین اقداماتی بیش از پیش مهیا گردیده است.

مانور «ولی فقیه»

در پی حوادث هفته گذشته مجلس، در رابطه با طرح تحقیق و تفحص مجلس از صدا و سیما تحت کنترل ذوب شدگان در ولایت، که با نامه علی خامنه ای ولی فقیه رژیم تا حدی فروکش کرد، بحث ها و تحلیل هایی در این رابطه صورت گرفت که از جمله آنها می توان به تحلیل عقب نشینی جناح راست و یا پیروزی اصلاح طلبان و غیره در این عرصه اشاره داشت. خامنه ای در نامه بی به کروبی، کارگزار خود در مجلس نوشت: «اگر مجلس محترم در حال حاضر مانع قانونی از اعمال این اصل دارد، تجدید نظر مجمع محترم تشخیص مصلحت در مصوبه قبلی خود می تواند این مانع را برطرف کند و جنابعالی با موضوع گیری صحیح و روشنگر خود همین معنا را بیان کردید» (آفتاب بزد، ۲۹ خرداد).

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

حاکمیت ساختار قرون وسطایی «ولایت فقیه» بر حیات سیاسی کشور است. آنچه مسلم است این است که ارتجاع با تکیه بر همین ساختار قرون وسطایی، از جمله شورای نگهبان ارتجاع و مجمع تشخیص مصلحت می تواند جلو هرگونه تغییر اساسی را در نظارت و اداره صدا و سیما «ولی فقیه» سد کند، ولی آنچه که تجربه زور آزمایی اخیر نشان داد این است که مقاومت و برخورد با نقشه های ارتجاع راه موثر مقابله با ترندهای مستبدان حاکم است.

در مورد حق حاکمیت می گوید: «در اینجا مردم حق حاکمیت را نمی دهند بلکه امکان بهره گیری از این حق را برای ولی فقیه فراهم کرده اند، این ریشه بحث است.» وی در ادامه گفت: «اگر مردم حق حاکمیت را بدهند بعد بگویند که حجاب نباشد، مشروب و رقص و انواع موسیقی آزاد باشد، ولی فقیه بر اساس موازین اساسی که حاکم است می گوید که خدا اجازه نمی دهد و در حد توان جلویشان را می گیرد. نه مجلس، نه دولت و نه دستگاه قضایی نمی تواند از مقررات اسلامی خارج شود و در هر سمت، باید این چارچوب حفظ شود و مردم حق ندارند خلاف اسلام بگویند.» ما قبلاً هم گفته ایم که بسط و گسترش این بحث حتی در دفاع از ولایت فقیه به نفع جنبش مردمی است. این موضوع وقتی مهم است که سخنان مغالطه آمیز یزدی و امثال او نزد توده ها هنگامی که از مجامع رقص، مشروب، موسیقی و حجاب صحبت به میان می آید، کاملاً واضح و روشن می باشد. در واقع مردم به خوبی می دانند دفاع از ولایت فقیه نه جلوگیری از مفاسد اجتماعی که در دست برعکس سد کردن روند رشد جامعه برای ریشه کنی چنین مفاسدی می باشد. اما حتی استناد به گفته های یزدی رقص، موسیقی و بی حجابی نه تنها فساد اجتماعی نیست بلکه نیاز ضروری یک جامعه سالم می باشد. در ثانی مگر مرتجعان حاکم همیشه در بوق و کرنا نمی دمند که مشکل مردم معیشتی و اقتصادی است پس چرا تمامی بحث های خود را به مباحث نظری در پاره حاکمیت مردم تخصیص می دهند؟ ذوب شدگان در ولایت از یک طرف می گویند مردم درد نان و کار دارند و از طرف دیگر نیروهای فعال سیاسی در داخل کشور را «متهم» به رواج فرهنگ ضد ولایت می کنند. اگر مردم درد نان و کار دارند و معتقد به ولایت هستند پس هراس مرتجعان را چگونه ارزیابی باید کرد؟ تعمیق جنبش مردمی در همین نکته نهفته است. رفسنجانی، یزدی، مصباح، خامنه ای و ... هر روز در این باره و در دفاع از ولایت داد سخن می گویند و همین خود در بیداری توده ها نقش مهمی ایفا می کند.

ادامه مانور «ولی فقیه»

لایحه مطبوعات، اجازه ندهد که مسأله تحقیق و تحفص از صدا و سیما ارتجاع به صورت علنی در صحن مجلس مطرح گردد ولی در برابر اعتراضات وسیع نمایندگان جبهه دوم خرداد و زیر علامت سوال رفتن نقش کروی، ارتجاع تصمیم گرفت که برای حفظ شرایط به صورت تاکتیکی عقب نشینی کند. نکته دیگری که در کشمکش های هفته قبل بار دیگر به روشنی مطرح گردید نقش مخرب و ضد مردمی

مردم، حق حاکمیت و «ولی فقیه»

بحث و جدل هایی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری اخیر بر سر عدم حمایت جناح ذوب در ولایت از کاندیدای مشخصی بروز کرد، نمودهای عینی خود را نمایان می سازد. با اینکه مرتجعان حاکم سعی وافر داشتند که این مسأله را با مطرح کردن مسایل فرعی همچون مشکلات اقتصادی توده ها به بیراهه سوق دهند اما نیروهای مترقی به درستی این موضوع را بیان کردند که انتخابات اخیر رای دادن به دو نوع بینش موجود در عرصه سیاسی ایران است. بینشی که اراده مردم را حاکم و بینشی که اراده نماینده «خدا» را مافوق همه می داند. مرتجعان حاکم سعی وافر داشتند که چنین بحثی به صورت عمومی در نیاید اما علیرغم تمامی ترندها، خود آنها هم ناگزیر شده اند مباحثی را در این راستا سازمان دهند. صحبت های آشکار مصباح یزدی و سفسطه گری هایش با استناد به مباحث اسلامی که از تریبون های مختلف بخصوص تریبون نماز جمعه مطرح می شود نمونه بی از این اقدامات است. محمد یزدی از چهره های کاملاً شناخته شده ارتجاع که هر از چند گاهی با حضور در تریبون نماز جمعه به تهدید دگراندیشان و نیروهای مترقی می پردازد، نیز در همین راستا سلسله نظرانی که حاکی از نگرانی عمیق ذوب شدگان در ولایت می باشد را شروع کرده است. یزدی گفت: «ولی فقیه با آرای دو درجه ای مردم انتخاب می شود. مردم با انتخاب خبرگانی که مجتهد شناس هستند، این امکان را فراهم می کنند که آنان از بین فقهای موجود، فقیهی جامع الشرایط را به عنوان ولی فقیه انتخاب کنند.» وی در باره شبهات مطرح شده و تناقض بین اصول پنج و شش قانون اساسی گفت: «با انتخاب دو مرحله ای ولی فقیه با رای مردم این شبهه خود به خود پاسخ داده می شود و فرقی بین مردم سالاری اسلامی با دموکراسی غربی نیز در همین نکته است.» وی در ادامه با اینکه در جایی به نقش مردم اشاره می کند اما

ادامه رژیم بانکی

عملکرد روشن این دستگاه های حتی مخفی از «خودی» ها هنگامی آشکار گردید که در جریان یورش ارتجاع به نیروهای ملی - مذهبی معلوم شد که دستگاه امنیتی بی وابسته به قوه قضائیه ایجاد شده است که ماه ها نیروهای ملی - مذهبی را تحت پیگرد قرار داده است و سپس در یک یورش سازمان یافته ده ها تن از آنان را بر اساس جرم های واهی دستگیر و روانه شکنجه گاه های ویژه کرده است. علیزاده، رئیس دادگستری تهران، و از مهره هایی که نقش ویژه ای در به راه انداختن دستگاه های موازای امنیتی داشته است، مدتی پیش، در پاسخ به این سؤال که این نیروها بر چه اساسی دستگیر شده اند و چگونه است که وزارت اطلاعات از «توطئه براندازی» آنها مطلع نیست، گفت ما از وزارت اطلاعات درباره این افراد پرونده خواستیم و چون ندادند خودمان رأساً اقدام کردیم.

مسلم است که شکل گیری این دستگاه های موازی نمی توانسته بدون اجازه و تأیید «ولی فقیه» و سایر سران رژیم صورت گرفته باشد. نقش فعال سپاه پاسداران و بسیج در این دستگاه جدید نیز نشانه دیگری از هماهنگی وسیع سران رژیم برای ایجاد ابزارهایی است که بتوان با اتکاء به آنها پایه های ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه» را حفظ کرد. نیروهای نظامی و شبه نظامی در حکومت های استبدادی، خطر جدی در مقابل جنبش مردمی اند و تنها با از بین بردن این دستگاه هاست که می توان امنیت را به جامعه بازگرداند.

این سازمان ها در اساس هیچ تفاوتی با ساواک رژیم شاهنشاهی ندارند و از این رو ادامه و بسط فعالیت های آنها خطری جدی است که جنبش اصلاح طلبی باید با جدیت با آن برخورد کند.

نیروهای پلیسی که امروز مخفیانه در کنار سایر ارگان های آشکار سرکوب ایجاد می شوند وظیفه بی ندارند جز پرونده سازی برای شخصیت های اصلاح طلب و آماده شدن برای روزی که باید همچون شعبان بی مخ ها برای حفظ «ولایت» به میدان بیایند. مقابله با این توطئه های ارتجاع باید به یکی از مسایل اساسی پیش روی جنبش مردمی تبدیل شود.

آدرس ها: لهماً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

26 June 2001

شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما ۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما: IRAN e.V. نام شماره حساب 790020580 کد بانک 10050000 بانک Berliner Sparkasse

Supplement to Nameh Mardom-NO 611 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. http://www.tudehpartyiran.org
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org